

ایران در مسیر استقلال، شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی

پس از دو قرن حاکمیت اعراب مسلمان بر ایران، شرایط برای تشکیل حکومت‌های ایرانی در سده سوم هجری فراهم آمد. در این درس با فراز و فرود مهم‌ترین سلسله‌های ایرانی در فاصله سده‌های سوم تا پنجم هجری، آشنا می‌شوید.

زمینه‌های تأسیس حکومت‌های ایرانی

پس از روی کار آمدن بنی‌عباس، ایرانیان در اداره قلمرو خلافت سهیم شدند و علاوه بر وزارت و سایر مشاغل دیوانی، حکومت ولایات و فرماندهی سپاه را نیز به عهده گرفتند. انتصاب افرادی از خاندان‌های متنفذ و ریشه‌دار ایرانی به حکومت ولایات توسط خلفای عباسی و سپس موروثی شدن زمامداری آن خاندان، زمینه‌ساز تشکیل برخی سلسله‌های ایرانی شد.

از سوی دیگر، تسلط امرای ترک بر بغداد و اقدام آنان در عزل و نصب خودسرانه خلفا در سده سوم هجری، به تضعیف نفوذ و قدرت سیاسی و نظامی خلافت انجامید. از این رو، فرصت مناسبی برای بروز حرکت‌های استقلال طلبانه در گوشه و کنار قلمرو خلافت، به ویژه ایران فراهم آمد.

خراسان، پیشگام جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی: ولایت خراسان در سده‌های نخست هجری سهم برجسته‌ای در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خلافت اسلامی داشت. خراسانیان در جریان دو رویداد مهم تاریخی (نابودی امویان و به قدرت رسیدن عباسیان و نیز انتقال خلافت از امین به مأمون) نقش آفرین بودند. همچنین در پی قتل ابومسلم، آن دیار صحنه ظهور جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی متعددی شد که برای مدتی خلافت را به خود مشغول کرد.

خراسانیان در سده سوم هجری به پشتوانه پویایی فرهنگی، تمدنی و اقتصادی خود، در مسیر استقلال سیاسی و فرهنگی ایران گام نهادند. نخستین سلسله‌های حکومتی ایران اسلامی از خراسان سر برآوردند.

۱- ولایت خراسان در سده‌های نخست هجری بسیار پهناور بود و شامل مناطقی در حدفاصل دشت کویر در مرکز ایران تا فلات پامیر و کوه‌های هندوکش می‌شد؛ از این رو

خراسان بزرگ نامیده شد.

همچنین در همین ولایت بود که در سده بعد، فرهنگ ایرانی تولدی تازه یافت و دوران شکوهمندی ادب فارسی آغاز شد.

طاهریان؛ طلیعه استقلال

سلسله طاهریان را سرداری به نام طاهر ذوالیمینین تأسیس کرد. طاهر در ماجرای اختلاف امین و مأمون،

فرمانده سپاه خراسان بود که پس از فتح بغداد، امین را به قتل رساند و خلافت را برای مأمون استوار ساخت. او مدتی پس از آنکه از سوی خلیفه به حکومت خراسان منصوب شد (۲۰۵ق)، نام مأمون را از خطبه انداخت و اعلام استقلال کرد، اما اندکی بعد درگذشت.^۲ این اقدام طاهر را می‌توان نقطه عطفی در مسیر کسب استقلال ایران در دوره اسلامی دانست.

یک توضیح

ذوالیمینین

ذوالیمینین، واژه‌ای عربی به معنای «دارنده دو دست راست» است. درباره ملقب شدن طاهر به این لقب دو روایت تاریخی وجود دارد. یکی آنکه چون طاهر خواست با امام رضا علیه السلام بیعت کند، برخلاف معمول دست چپش را دراز کرد و عذر آورد که دست راستش در بیعت خلیفه است؛ از این رو، ذوالیمینین لقب گرفت. بر اساس روایت دوم، طاهر به دلیل مهارت ویژه در شمشیرزنی با هر دو دست، به ذوالیمینین معروف شد.

مملو از نکات ظریف و مهم کشورداری است، دلالت بر شعور و خرد سیاسی او دارد. طاهریان نسبت به اوضاع و احوال توده مردم بی‌توجه و غافل نبودند؛ وقتی سیستان دچار قحطی شد، به دستور عبدالله بن طاهر ۳۰۰ هزار درهم میان ضعیفان و فقیران آنجا تقسیم شد. خاندان طاهری همچنین به عمران و آبادی، به ویژه کشاورزی و نیز ترویج علم و دانش اهمیت زیادی می‌دادند. حکومت طاهریان که بر اثر شورش‌های بی‌وقفه خوارج و نهضت علویان طبرستان ضعیف شده بود، سرانجام توسط یعقوب لیث بر افتاد.

اوضاع و شرایط شرق ایران و محبوبیت طاهریان در خراسان، مأمون را ناگزیر کرد که امارت خراسان را به فرزندان طاهر واگذار کند. پس از آن خاندان طاهری به مدت نیم قرن بر خراسان و سرزمین‌های مجاور آن فرمان راندند.

طاهریان اگرچه خود را تابع و مطیع خلافت نشان می‌دادند و با مخالفان و دشمنان آن مقابله می‌کردند، اما در اداره قلمرو خود مستقل بودند.

حاکمان طاهری، سیاستمدارانی عاقل، میانه‌رو و مردم‌دار بودند. نامه طاهر ذوالیمینین به پسرش عبدالله که

۱- ذکر نام خلیفه در خطبه نماز جمعه، حک کردن نام وی بر روی سکه و پرداخت منظم خراج به او، نشانه‌های فرمانبرداری و تبعیت حاکمان ولایات از خلافت بود.

۲- به قولی توسط عمال و جاسوسان خلیفه مسموم شد.

صفاریان؛ حکومت عیاران

امنیت به صحنه آمدند.

عیاران، گروهی منسجم و ریشه‌دار در تاریخ ایران بودند که بر اساس اصول اخلاقی و مبارزاتی ویژه‌ای به دور هم جمع می‌شدند و فعالیت می‌کردند. آنان به جوانمردی، شجاعت، چالاکی و دفاع از مظلومان و تهیدستان در مقابل ستمگران و ثروتمندان شهرت داشتند. عیاران که اغلب از مردم فرودست شهری بودند، از طریق راه‌زنی و تصاحب اموال ثروتمندان، امرار معاش می‌کردند، گاهی نیز به عنوان مزدور در جنگ‌ها حاضر می‌شدند.

سلسله مستقل صفاریان از سیستان، سرزمین افسانه‌های حماسی و زادگاه پهلوانان برآمد. این ولایت از خیلی سال‌ها پیش از تأسیس حکومت صفاریان، صحنه فعالیت گروه‌های ناراضی و دشمنان خلافت از جمله خوارج بود و عاملان خلیفه عباسی و حکومت طاهریان از عهده آنها بر نمی‌آمدند. در شرایطی که امنیت و آسایش عمومی سلب شده بود، جنگجویان داوطلب (مطوعه)^۱ و عیاران برای مقابله با شورشیان و برقراری

یک توضیح

لوا و شمشیر

صفاریان حکومت خود را مدیون سلحشوری و قدرت شمشیر خود می‌دانستند و نه فرمان خلیفه عباسی؛ در جریان فتح نیشابور، امیر طاهری به یعقوب پیغام داد اگر به فرمان خلیفه آمده‌ای، عهد و لوای وی عرضه کن تا ولایت به تو سپارم و اگر عهد و لوای خلیفه نداری بازگرد. یعقوب شمشیر خود را بیرون کشید و گفت این عهد و لوای من است.

و جهاد با کفار مرزهای شرقی، فرمان حکومت سیستان، کابل و بلخ را برای وی فرستاد؛ اما وقتی یعقوب نیشابور را گرفت و حکومت طاهریان را برانداخت، خلیفه او را یاغی خواند. روابط صفاریان و خلافت عباسی به دنبال لشکرکشی ناموفق یعقوب به بغداد، خصمانه‌تر شد.

یعقوب لیث صفاری که خود عیار بود، به اتکای نیروی عیاران و بی‌آنکه اجازه و فرمانی از خلیفه عباسی یا نایبان او داشته باشد، در مسیر دستیابی به قدرت گام نهاد. او پس از پیروزی بر مدعیان، حکومت صفاریان را در سیستان به مرکزیت شهر زرنج (زرنگ) تأسیس کرد. خلیفه به ملاحظه اقدام یعقوب در سرکوب خوارج

۱- مطوعه در برخی از ولایات مرزی مانند سیستان و ماوراءالنهر برای جهاد با کفار حضور داشتند.

بی‌اعتمادی صفاریان به خلافت

بی‌اعتمادی صفاریان به خلفای عباسی به حدی بود که: «یعقوب بسیار گفتی که دولت عباسیان بر غدر و مکر بنا کرده‌اند؛ نبینی که با بوسلمه [ابوسلمه خلال] و بومسلم [ابومسلم] و آل برامکه و فضل بن سهل چندان نیکویی کایشان [که ایشان] را اندر آن دولت بودند، چه کردند؟ کسی مبادا که بر ایشان اعتماد کند».

(تاریخ سیستان، ص ۲۶۷)

بی‌اعتماد بود و از هر فرصتی برای ضربه‌زدن به آنها استفاده می‌کرد. عمرو، سرانجام در جنگ با امیر اسماعیل سامانی به اسارت درآمد و در بغداد به فرمان خلیفه به قتل رسید. پس از وی، امیران صفاری تا مدت‌ها تحت سیطرهٔ سامانیان و غزنویان بر سیستان فرمان راندند.

پس از مرگ مؤسس صفاریان، برادرش، عمرولیث به حکومت رسید. عمرو، سیاست محتاطانه‌ای نسبت به خلافت در پیش گرفت. او به نام خلیفه خطبه خواند و خلیفه نیز فرمان امارت سیستان، خراسان و فارس را به نام او نوشت. با این حال، خلافت بغداد همچنان به صفاریان



خداخانه مسجد جامع عتیق در شیراز از آثار دورهٔ صفاریان

سامانیان؛ حکومت دهقانان

به حکومت برخی شهرهای ماوراءالنهر منصوب شدند. امیر اسماعیل سامانی (یکی از نوادگان سامان) به فرمان خلیفه عباسی بر تمام ماوراءالنهر حکومت یافت. او پس از پیروزی بر عمرو لیث صفاری و شکست فرمانروای علویان، خراسان، سیستان، گرگان، طبرستان و ری را نیز فتح کرد و حکومت سامانیان را در سرزمین‌های شرقی ایران تأسیس کرد. فرمانروایی سامانیان بیش از یک قرن دوام آورد؛ البته قلمرو جانشینان وی، بیشتر اوقات به ماوراءالنهر و خراسان محدود بود.

سامانیان یکی از خاندان کهن ایرانی بودند که نسب خود را به بهرام چوبین (سردار معروف ساسانی) می‌رساندند. نیای ایشان، سامان خدات از دهقانان خراسان بود که مسلمان شد و مورد حمایت حاکم اموی خراسان قرار گرفت. دهقانان یکی از گروه‌های اجتماعی بازمانده از دوره ساسانی بودند که در سده‌های نخست هجری به خصوص در خراسان، نفوذ و قدرت قابل توجهی داشتند. فرزندان و نوادگان سامان در خدمت والیان خراسان بودند و در زمان خلافت مأمون



شکل گرفت. در نتیجه تدبیر و لیاقت حاکمان سامانی، ماوراءالنهر و خراسان دورانی از شکوفایی علمی و فرهنگی و رونق اقتصادی و رفاه را تجربه کرد. بخارا، پایتخت سامانیان و دیگر شهرهای قلمرو آنان رشد و

سیاست و مملکت‌داری: اغلب امیران سامانی، سیاستمدارانی باتدبیر و لایق بودند و از وجود وزیران و مشاوران دانشمند و کاردانی بهره می‌بردند. با مساعی مشترک آنان، تشکیلات منظم و کارآمد دیوانی و اداری

۱- دهقان معرب واژه فارسی دهگان است. دهگانان در دوره ساسانی خرده مالکان دهنشین و شهرنشینی بودند که اداره روستاها و گردآوری مالیات‌ها را بر عهده داشتند. اینان تا قرن سوم هجری موقعیت اداری و اجتماعی خود را حفظ کردند و پس از زوال آنان، واژه دهقان در ادبیات فارسی مترادف با کشاورز و زارع شد.

آبادانی فراوانی یافتند.

سر برآوردند و یکی ماوراءالنهر و دیگری خراسان را تسخیر کردند و به فرمانروایی خاندان سامانی پایان دادند.

به وقت دولت سامانیان و بلعمیان

چنین نبود جهان، بانهاد و سامان بود

کسائی مروزی، شاعر اواخر عهد سامانی و اوایل عصر غزنوی

علویان طبرستان؛ حکومت سادات

ولایات ساحلی دریای مازندران به سبب موقعیت و شرایط خاص جغرافیایی و اقلیمی، دیرتر از سایر نواحی ایران توسط اعراب مسلمان تسخیر شد. در سده‌های دوم و سوم هجری شماری از سادات علوی پیرو مذهب شیعه که مورد آزار و اذیت خلفا و وابستگان آنها قرار داشتند به این منطقه پناه آوردند. علویان با اخلاق پسندیده و رفتار انسانی، مردم را جذب خود کردند و باعث گرویدن آنان به اسلام شدند.

سرانجام مردم و خاندان‌های متنفذ طبرستان و دیلم، یکی از سادات علوی به نام حسن بن زید را که فردی جسور و عالم بود به رهبری خویش برگزیدند (۲۵۰ق). حسن بن زید با اخراج حاکم طاهریان از آن دیار، حکومتی مستقل به مرکزیت شهر آمل بنیان نهاد. او دامنه قلمرو خود را به گرگان و حتی ری و قزوین نیز رسانید و نظم و امنیت پایداری را برقرار کرد.

امیران سامانی اگرچه حرمت خلفا را نگه می‌داشتند و نسبت به آنها اظهار اطاعت و تابعیت می‌کردند، اما در عمل امیرانی مستقل به حساب می‌آمدند و نفوذ و اقتدارشان در درون قلمرو خود نامحدود بود. خراسان و ماوراءالنهر در دوران حکومت آنها از مداخله خلیفه و نمایندگان او دور ماند.

زوال و سقوط: حکومت سامانیان با پشتیبانی دهقانان شکل گرفت، اما امیران سامانی با به خدمت گرفتن غلامان ترک در دربار و سپاه، به تدریج از نفوذ و قدرت سیاسی و نظامی دهقانان کاستند. درگیری و تضاد میان دیوانسالاران ایرانی و سپهسالاران ترک، به هرج و مرج و نابسامانی در ارکان زمامداری سامانیان انجامید. در چنین شرایطی، ترکان قراخانی^۱ و غزنویان

بک توضیح

حاکم دادگر و دانشمند

حسن بن علی ملقب به اطروش (ناشنوا) و معروف به ناصر کبیر، یکی از امیران مشهور حکومت علویان بود که پس از شکست سنگین علویان از سامانیان که به قتل محمد بن زید انجامید، دوباره قدرت سادات علوی را با پیروزی بر سامانیان احیا کرد. او حاکمی دادگر مدافع طبقات محروم در مقابل زورگویی‌های زمین‌داران محلی بود. وی عالمی برجسته نیز بود و چندین کتاب در مباحث فقهی و اعتقادی نوشت.

۱- ترکان قراخانی که به ایلک‌خانیان و آل‌افراسیاب معروف بودند بر قسمت‌هایی از ماوراءالنهر و ترکستان شرقی حکومت کردند (۲۸۲-۶۰۷ق).

مرداویج در خیال احیای شاهنشاهی ساسانیان بود. او علاقه زیادی به آداب و سنن باستانی نشان می‌داد؛ تاجی جواهرنشان مانند تاج انوشیروان بر سر می‌نهاد و بر تخت زرین می‌نشست. همچنین در برگزاری جشن‌های باستانی مبالغه بسیار می‌کرد؛ به دستور وی، جشن سده با شکوه و تشریفات تمام در اصفهان برپا شد (۳۲۳ق). سلسله زیاریان پس از قتل مرداویج به دست غلامان شورشی، بیش از یک قرن دوام آورد. جانشینان او که گرفتار رقابت و درگیری آل بویه با سامانیان و غزنویان شده بودند، تنها بر گرگان و قسمت‌هایی از طبرستان حکومت می‌کردند.



برج قابوس از بناهای ساخته شده در دوره زیاریان

آل بویه؛ حکومت دیلمیان

تأسیس و استقرار: سلسله آل بویه را پسران ابوشجاع بویه (علی، حسن و احمد) از اهالی دیلم گیلان پایه‌گذاری کردند. بویه شغل صیادی را رها کرد و به همراه فرزندان خود به خدمت سرداران محلی درآمد. پسران بویه پس از پیوستن به مرداویج، به حکومت شهرهای مختلف منصوب شدند.

فرزندان بویه، پس از مرگ مرداویج، به پشتوانه

خلافت عباسی سیاست خصومت‌آمیزی علیه حکومت علویان در پیش گرفت. خلفا علاوه بر آنکه چندین سپاه را به جنگ علویان فرستادند، طاهریان و سامانیان را نیز به نبرد با آنها فراخواندند.

فرمانروایی علویان به سبب تهاجم نیروهای خلافت و حکومت‌های رقیب (طاهریان، صفاریان و سامانیان)، بارها تا مرز سقوط پیش رفت، اما به سبب حمایت مردم طبرستان و دیلم دوباره قدرت گرفت. حکومت علویان سرانجام در نتیجه اختلافات داخلی، گرفتار رقابت و کشمکش‌های سرداران دیلمی شد و فروپاشید (۳۱۶ق). در دوران زمامداری علویان، مذهب شیعه در قلمرو آنان گسترش یافت.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا خلافت عباسی خصومت شدیدی با علویان

طبرستان داشت؟

زیاریان

اگر در قرن سوم هجری مردان و خاندانی از شرق ایران (خراسان، سیستان و ماوراءالنهر) پرچم استقلال‌خواهی را برافراشتند، در سده چهارم هجری، سردارانی از گیلان و مازندران، امارت‌های مستقلی برپا و سرزمین‌های مرکزی، جنوبی و غربی ایران را از تسلط خلافت عباسی خارج کردند.

در سال‌های پایانی حکومت علویان، شماری از فرماندهان محلی وارد رقابت و کشمکش با یکدیگر شدند. مرداویج زیاری یکی از آنان بود که ادعا داشت نسبش به شاهان قدیم گیلان می‌رسد. او پس از پیروزی بر تعدادی از سرداران مدعی، شهرها و مناطق وسیعی در شمال، مرکز، غرب و جنوب ایران را تحت فرمان خود گرفت و اصفهان را به پایتختی برگزید.

زمان فرمانروایی عضدالدوله به اوج اقتدار و شکوفایی خود رسید. قلمرو بویان در عهد او به نهایت گستردگی و وحدت سیاسی رسید و شامل بخش وسیعی از ایران (به استثنای خراسان و سیستان که به سامانیان تعلق داشت)، عراق و قسمت‌هایی از عربستان بود. عضدالدوله نخستین امیری بود که خلیفه به او لقب مَلِک (شاه) داد و نامش بعد از نام خلیفه در خطبه بغداد خوانده شد. به دستور او بناهای بسیاری مانند بیمارستان عضدی بغداد و بند امیر فارس ساخته شد.

اهمیت و نقش تاریخی: حکومت آل بویه در تاریخ ایران دوره اسلامی اهمیت و نقش خاصی داشت؛ زیرا:

۱- پسران بویه، حکومتی مستقل برپا کردند و خلافت عباسیان را به مدت یک قرن تحت سلطه و سیطره

جنگجویان گیل و دیلم، حکومت خود را بر بخش‌های وسیعی از مرکز، غرب و جنوب ایران گستراندند. یکی از برادران، سپس با استفاده از اوضاع نابسامان خلافت عباسی، بغداد را تسخیر کرد و عراق را نیز به قلمرو بویان افزود. او پس از فتح بغداد، خلیفه وقت را برکنار و برادر او را به جای وی منصوب کرد. پسران بویه با تقسیم متصرفاتشان میان خود، موجبات شکل‌گیری سه شعبه حکومت آل بویه را به مرکزیت شهرهای ری، شیراز و بغداد فراهم آوردند.

فکر کنید و پاسخ دهید:
چرا آل بویه شیعه مذهب پس از تسلط سیاسی بر بغداد، خلافت عباسی را نابود نکردند؟

اوج اقتدار و شکوفایی: حکومت آل بویه در



خود درآوردند.

۲- بویان پیرو مذهب شیعه بودند و در دوران حکومت آنان تشیع گسترش پیدا کرد و معارف و آداب و رسوم شیعه، نشر و رواج یافت.

۳- آل بویه همچون سامانیان و دیگر سلسله‌های ایرانی برای زنده کردن فرهنگ و سنت‌های ایرانی کوشش کردند و حتی نسب خود را به بهرام گور (شاه ساسانی) رساندند.



سکه آل بویه

مختلف اسلام و دیگر ادیان توحیدی به وجود آمد. در آن دوره اهل علم و اندیشمندان مسلمان، زردشتی، مسیحی و یهودی با خیالی آسوده به گفت‌وگوی علمی می‌پرداختند و با استدلال و منطق گفته‌های خود را اثبات و آرای مخالف را نقد می‌کردند.

انحطاط و سقوط: تشدید رقابت و اختلاف

درونی خاندان بویه پس از عضدالدوله و بروز شورش در قلمرو آنان، موجبات ضعف و انحطاط سیاسی حکومت آل بویه را فراهم آورد. همچنین توسعه‌طلبی خلفای فاطمی مصر در شام و حجاز، پیامدهای سیاسی و اقتصادی نامطلوبی برای آن حکومت داشت. در چنین شرایطی، نیروی تازه‌نفس سلجوقیان به فرمانروایی آل بویه بر ایران و عراق پایان داد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا بنیان‌گذاران و فرمانروایان حکومت‌های ایران در دوره اسلامی، تلاش می‌کردند خود را به شاهان و سرداران عهد باستان منتسب کنند؟

یک ویژگی برجسته حکومت آل بویه و سایر سلسله‌های ایرانی، مدارای مذهبی بود. بویان نه تنها با پیروان مذاهب مختلف اسلامی، بلکه با پیروان دیگر دین‌ها نیز به نرمی و مدارا رفتار می‌کردند. سامانیان پیرو مذهب سنت نیز چنین سیاستی داشتند. در نتیجه سیاست مدارا و آزاداندیشی حاکمان ایرانی، امنیت و آسایش مناسبی برای متفکران، دانشمندان و عالمان پیرو مذاهب

یک توضیح

آل حَسَنَوِیَه کُرد

علاوه بر آن حکومت‌هایی که در این درس با آنها آشنا شدید، سلسله‌های محلی دیگری نیز همزمان در گوشه و کنار ایران سر برآوردند. یکی از آنها آل حَسَنَوِیَه بود. آل حَسَنَوِیَه یا حَسَنَوِیَه، خاندانی از کردان بَرزَکانی بودند که حدود نیمه دوم قرن چهارم هجری بر بخش‌هایی از کردستان، کرمانشاه، لرستان و ایلام فرمان راندند. حَسَنَوِیَه بنیان‌گذار این حکومت، دژ سَرماج را بر فراز بیستون ساخت و تختگاه خود قرار داد. روابط حَسَنَوِیَه با آل بویه گاهی خصومت‌آمیز و گاهی دوستانه بود.

با مطالعه درس، بررسی نقشه‌ها و راهنمایی دبیر خود، جدول زیر را کامل کنید.

آل بویه	زیاریان	علویان طبرستان	سامانیان	صفاریان	طاهریان	
۴۴۷-۳۲۲ ق	۴۷۵-۳۱۶ ق	۳۱۶-۲۵۰ ق	۳۹۵-۲۶۱ ق	۳۹۳-۲۴۷ ق	۲۵۹-۲۰۵ ق	دوره حکومت
پسران بویه	مؤسس
.....	و شمگیر زیاری قابوس بن و شمگیر	حسن بن علی (ناصر کبیر)	احمد بن اسماعیل نصر بن احمد خلف بن احمد	عبدالله بن طاهر	امیران مشهور
.....، ری، اصفهان، فارس، همدان و خوزستان، گرگان، ری و گیلان، سیستان، گرگان، طبرستان و کرمان، گرگان، طبرستان و سیستان	قلمرو
.....، شیراز،، گرگان	زرنج (زرنج)	پایتخت
.....	تأسیس نخستین حکومت ایرانی، درگیری با جنبش‌ها و حکومت‌های مخالف خلافت مانند قیام مازیار و حکومت علویان	رویدادهای مهم

فعالیت

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند تأسیس حکومت‌های طاهریان، صفاریان، سامانیان و علویان طبرستان را مقایسه کنید و تفاوت و شباهت‌های آنها را ذکر کنید.
- ۲- سیر روابط یعقوب و عمرو لیث صفاری را با خلافت عباسی توضیح دهید.
- ۳- شیوه زمامداری و ملک‌داری سامانیان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۴- مناسبات سامانیان و علویان طبرستان با خلافت عباسی را مقایسه کنید.
- ۵- عوامل ضعف و سستی حکومت آل بویه را بنویسید.
- ۶- سه ویژگی مشترک برای حکومت‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری بیان کنید.

اندیشه و جست و جو

۱- درباره برگزاری مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در زمان حکومت آل بویه، پژوهشی انجام دهید.